

کفارهٔ روزه‌ایکه خوردم رمضان

شرح از جامی شیخ بهائی و اسیری لاهیجی

ددی برسرگور دله ۹ غارت کردم
کفاره ۳ روزه‌ایکه خوردم رمضان ۴
۴ مرپاکنرا جنب زیارت کردم
در عید نماز بی طهارت کردم
این رباعی درالخرائن مولا احمد نراقی م-۱۲۴۵ و چندین دفتر و کتاب خطی دیده شده و در هیچیک نام گویندهٔ آن بنظر نرسیده است .

گوینده توجه سالک را بیاطن و بی‌اعتنائی او را بامور ظاهری به لغز در آورده است . برخی از دانشمندان که در تصوف و عرفان دستی داشته‌اند این رباعی را گزارش نموده و پیچیدگی آنرا برداشته‌اند . نگارنده هنگامیکه در اداره بررسی و تحقیق کتابخانه مجلس شورایی مشغول تهیه فیش دفتری بودم به دو گزارش از آن برخوردارم و دانشمند محترم آقای عبدالحسین حائری مرا به گزارش دیگری راهنمایی فرمودند .

اقتباس و تقلید این سه گزارش از یکدیگر بیخوبی نمایان است این سه گزارش از نورالدین عبدالرحمان جامی و شیخ بهایی و اسیری لاهیجی است و با ترجمهٔ مختصری از شرح حال هر یک از گزارش دهندگان یاد می‌گردد و چون جامی و شیخ بهایی شناخته شده‌اند لذا از شرح حال مفصل آنان چشم پوشیده بیشتر به ترجمهٔ احوال اسیری خواهیم پرداخت که معروفیت او کمتر است . پوشیده نماند که چون نسخه‌های متعددی از این گزارشها در دست نبود لذا تصحیح قیاسی نمودیم .

۱- شرح رباعی : از نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸) وی در نزدیک شهر جام متولد شد و در هرات جهانرا بدرد گفت پس از استیلای مغول و تاتار جامی بزرگترین شاعر است که ظهور کرد . دستوزبان فارسی و صرف و نحو عربی را نزد پدر فرا

۱ - دله - بفتح اول و ثانی غیر مشدد جانوری باشد که آنرا قاقم گویند و گربه صحرايي راهم گفته‌اند و معرب آن دلق است وزن دلالم و محتاله و جامهٔ پشمینه و خرقة و مرقع درویشان را نیز گویند که از آن پشمها آویخته باشد و باثانی مشدد بمعنی مکر و حيله و عیار و ناراست و منافق باشد و گردباد را نیز گویند و بکسر اول بمعنی دل است که بعبری قلب خوانند (برهان-۵۰۳)

۲ - من پاکنرا جنب زیارت کردم (ن . ل)

۳ - شکرانه آنکه روزه خوردم رمضان (ن . ل)

۴ - کفاره آنکه روزه خوردم رمضان (ن . ل)

گرفت ومدتی در نظامیه بغداد تحصیل کرد سپس بسمرقند و قندهار رهسپار شد و از درس شیخ فتح‌اله تبریزی استاد الغنیک (نوه امیر تیمور) استفاده نمود. جامی هفت مثنوی به تقلید نظامی سروده و آنرا هفت اورنگ خوانده است. دیوانی هم در غزلیات دارد. در نشر نفحات الانس ولوایح را پرداخته و دو کتاب درسی برای فرزندش نگاشت یکی بنام بهارستان به تقلید گلستان سعدی و دیگری دستور زبان عربی (نحو) بنام الفوائد الضیائیة که گزارشی است بر کافیه ابن حاجب و در میان دانشجویان علوم قدیمه به شرح جامی اشتهار دارد. رساله‌های دیگری در عروض و قافیه و صرف و نحو و منطق و تصوف و موسیقی ساخته است و اینک شرح رباعی :

مراد از گور ابدان کمال که مدفن اسرار و معارفست . و مراد از دله معانی ذوقیه است که حق ایشان گشته بود و در میان ایشان مندرج بود و مراد از غارت تصرف و اخذ معنا نیست قبل از تملک و استحقاق تصرف . مقصود آنکه پیشتر از مرتبه کشف و شهود معانی ذوقیه که از تحت عبارات و اشارات کمال لایح بود در حیطه احاطه در آوردم یعنی علماً بدان رسیدم و این رسیدن علمی را غارت گفته‌اند ، چون حق کشفست که در تصرف علم در آمده است. بیان همین معنی است بوجهی دیگر - من پاکان را جنب زیارت کردم . یعنی پاکان معانی کشفیه را بی پاکي نفی هستی و فنا که رتبت کشف و شهود است مانند افطار بود در رمضان . شکرانه آنکه روزه خوردم رمضان . یعنی شکرانه آنکه از امساک جهل خلاص شدم اگر چه قبل از حین شهود و عیان بود در عید که حین نماز وصل و شهود را چنان ادا کردم که در ادا محتاج بطهارت نبودم یعنی بشهودی پیوستم که مقید بقنا نبودم چه در این شهود و فنا نیز فانی گشته بودم . والله اعلم

۲- شرح رباعی از شیخ بهائی (محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین

محمد جبیبی حارثی) شیخ بهایی در ۹۵۳ در بعلبک دیده بجهان گشود و در اصفهان ۱۲ شوال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ بدرود حیات گفت شیخ بهایی از بزرگترین شخصیت‌های علمی اسلامی و از نوایب بوده و ترجمه حال وی از وضع این مقاله خارجست . شرح زندگانی و اشعار او را مرحوم سعید نفیسی در رساله نکاشته است . شرح رباعی چنین است :

بر ارباب فهم مخفی نماند که اگر قائل این رباعی مباحی (قائل به اباحه، ملحد) و یا معتد ؟ بوده اظهار لایبالی و بی باکی خود نموده و اگر موحد بوده احتیاج به تأویل دارد . بدانکه دی عبارت از زمان ماضی است و لکن زمان حال مراد است و گور عبارت از بدن انسان نیست که روح در او مدفونست و دله عبارت از قوی نفسانی که بخل و حرص و حسد و کینه و حقد از آنجمله است و لازمه نفس اماره است . غارت کردم عبارتست از مخالفت نفس و آنکه میگوید کردم یعنی مخالفت نفس را از قوه بفعل آوردم . و پاکان اشارتست بمرشدان و کاملان که طالبان بواسطه آن هستند و از لوث هستی پاک و مطهر میگردند. جنب گفتن . مراد انصاف دادنست چون طالب بسر وحدت نرسیده است هنوز از شرک دوئی خلاص نشده و خود را جنب میدانند و زیارت کردم بمعنی توجه است و توصل کاملان و چون مقرر است که طالب را بجهت حصول بمقصد از مأکول و مشروب لذیذ در ابتداء حال منع میفرمایند . میگوید : کفاره آنکه روزه خوردم رمضان . لفظ رمضان مجاز است چون روزه

مخصوصست بر رمضان ، این ماه را ذکر کرده است مقصودش آنست که آن ریاضت که فرموده بودند به تقدیم رسانیدم . وعید اشارتست که بمقام مشاهده رسیدم . و نماز بی‌طهارت کردم یعنی بمقام فناء فی‌الله و بقاء بالله رسیدم و از هستی موهومی نجات یافتم و نماز میت بر نفس گذاردم چه در نماز میت طهارت شرط نیست و الله اعلم بالصواب . تمت

۳- شرح رباعی از شمس‌الدین محمد فرزندیحیی فرزند علی لاهیجی گیلانی نوربخشی : لاهیجی در اشعار اسیری تخلص دارد و از مردان سده نهم میباشد . تاریخ وفاتش را ۹۱۲ گفته‌اند . اسیری از مریدن سید محمد نوربخش (۷۹۵-۸۶۹) بوده و چون نوربخش او را نیک شناخت با او اجازه داد و لذا پس از نوربخش ریاست سلسله نوربخشیه با او تفویض شد . سند طریقت اسیری به هفده واسط به حضرت علی بن موسی الرضا علیها السلام میرسد . اسیری از سر سلسله دارانی است که اهل شریعت و طریقت در پیشگاه او اخلاص ورزیده و او را ستوده‌اند . قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین درباره تشیع او به تفصیل سخن گفته است . قاضی میرحسین میبیدی که از دانشمندان بنام و صاحب آثار زیادی چون شرح هدایه اثیری و شرح اربعین و جزاینهاست در نامه خود او را به این تعبیرها می‌ستاید :

آینه صفات الله و واقف حقایق ناسوت و عارف دقایق لاهوت و مسافر مراحل جبروت و مجاور منازل ملکوت .

صدرای شیرازی و دانشمند دوانی هرگاه هنگام سوار شدن بر مرکوب او را می‌یافتند از راه تعظیم و ادب و احترام رکابش را می‌گرفتند تا سوار شود، اسیری مفاتیح الاعجاز را که پایان رسانید نزد عبدالرحمان جامی فرستاد، عارف جامی در بالای پاسخی که با اسیری نوشت این دوبیت آورد :

ای فقر تو نوربخشی از باب نیاز خرم ز بهار خاطرت (گلشن زار)

یک ره نظری بر مس و قلبم انداز شاید که برم ره حقیقت زمجاز

در خوراك و پوشاك شیوه خاصی داشته . گویند همیشه لباس سیاه در بر میکرد . شاه اسماعیل صفوی پس از تسخیر شیراز او را بدید و سبب این پوشش پرسش نمود وی پاسخ داد که همانا جهت سوگواری حضرت حسین بن علی علیها السلام این رنگ لباس برگزیدم که زی سوگواران است . شاه گفت حضرت حسین را در هر سالی سوگواری بیش از ده روز معمول نیست اسیری گفت مردم بخطا رفته‌اند زیرا که وظایف سوگواری آن بزرگوار تا روز واپسین برجاست شاه اسماعیل را در حق وی و فرزندانش ارادت خاصی بود و لذا فرزند او شیخزاده متخلص به فدائی را به رسالت نزد محمدخان شیبانی فرستاد . اسیری پس از وفات پیر خود در شیراز رحل اقامت افکند و در نزدیک دروازه شاه داعی‌الی‌الله شیراز جنب باغ کلانتری خانقاه عالی بنا نهاد و در آن خلوتخانه‌ها ترتیب داد و بنام (خانقاه نوریه) یا (تکیه نوریه) موسوم ساخت سلاطین وقت ملکهای بسیار بر آن وقف نمودند و تولیت آنها را بعهده اسیری و فرزندان او نهادند . سال تولد و وفاتش بدرستی در دست نیست و برابر آنچه بوی نسبت داده‌اند در سال ۹۱۲ قمری وفات کرده و در بقعه‌ای در همان خانقاه بخاک

سپرده شد . ممکن است در نتیجه فهرست شدن کتابخانه‌ها آثار زیادی از اسیری بدست آید ولی تاکنون این چند اثر از او شناخته شده :

- ۱ - اسرارالشهور (مثنوی) . اسیری در آغاز آن پیر خود سید محمد نوربخش را ستوده است . نسخه کتابخانه (م.س) دارای ۳۲۰۰ بیت و نسخه کتابخانه مجلس حدود ۲۰۰۰ بیت دارد . نسخه‌هایی از این کتاب در کتابخانه‌های سپهسالار و ملک یافت میشود .
- ۲ - دیوان اسیری لاهیجی . نسخه‌هایی از آن در کتابخانه های سپهسالار، مجلس ملک و نیز نزد مدرس رضوی وجود دارد . شماره ابیات باختلاف در ۵۰۰۰ و ۴۲۰۰ و ۴۰۰۰ دیده شده است .

۳ - شرح دو بیت از مثنوی مولوی :

چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد موسی با موسی در جنگ شد
چونکه این رنگ از میان برداشتی موسی و فرعون کردند آشتی
نسخه‌هایی از این گزارش در دانشگاه و مجلس یافت میشود .

۴ - شرح بیت :

عاشقان دردمی دو عید کنند عنکبوتان مگس قدید کنند
نسخه‌هایی از این گزارش در دانشگاه و مجلس دیده میشود .

۵ - (شرح بیت‌الشهادة) از امیر خسرو :

ز دریای شهادت چون نهنگ لابر آرد سر تیمم فرض گردد نوح را در روز طوفانش
نسخه‌هایی از این شرح در دانشگاه و مجلس آمده است . برای بیت تنی چند از دانشمندان مانند دوانی و جامی گزارش داده‌اند .

۶ - شرح رباعی :

از پنجه پنج ششدروشش بدرای وز کشمش سپهر سرکش بدرای
خواهی که چشی ذوق خوشیهای عدم از ناخوشی وجود خوش خوش بدرای
این گزارش در دانشگاه و ذریعه و سپه آمده است .

۷ - شرح گلشن راز - مفاتیح الاعجاز . این شرح یکی از بهترین گزارشهایی است که برگلشن راز عارف بنام شیخ محمود شبستری نگارش یافته و اسیری در ۱۹ ذیحجه ۸۷۷ از تألیف آن فارغ شده است و آن در حدود (۲۳۳۰۰) بیت است . این شرح را محمد بن محمود دهدار شیرازی (۱۰۱۶-۴) مختصر نمود . مفاتیح الاعجاز در تهران سال ۱۲۶۴ و گزیده محمددهدار در هندوستان بچاپ رسیده است این شرح به ترکی ترجمه شده و بنام «جام دنواز» نامیده شده است .

۸ - شرح رباعی مورد بحث .

این گزارش که مورد گفتگوی ما است در دفتری بشماره (۱۱۸۷) فهرست شده در کتابخانه مجلس شورای ملی وجود دارد در دانشگاه ج ۱۱ نیز نسخه‌ای آمده است و آنرا بطور

احتمال از شیخ بهایی دانسته است ولی گزارش شیخ بهایی بر این رباعی همان بود که گذشت برای آگاهی بیشتر بنگرید به :

دانشگاه ج ۸-۵۵۸ ج ۱۴-۳۸۲۵، ۳۸۲۶، ۳۸۵۶ دانشمندان آذربایجان. الذریعة
ج ۹-۷۶ ج ۱۳-۲۷۰، ۲۷۱، ۲۸۱ ریحانة الادب ج ۱-۷۳ ریاض العارفين . فهرست سپهسالار
ج ۲-۵۵۸، ۵۵۹ ج ۳-۱۲۵ فرهنگ سخنوران-۴۲ مجالس المؤمنین. فهرست مجلس ج ۱-
۵۹ ج ۳-۴۹۹، ۶۷۲ ج ۶-۹۸ کشف الظنون ج-۲۵۰ .

هوالحق المبین

دی بر سر گوردله غارت کردم مر پاکانرا جنب زیارت کردم
کفاره آنکه روزه خوردم رمضان در عید نماز بی طهارت کردم

گور عبارت از بدن انسانست که روح در او مستقر و پنهانست و دله عبارت از قوای نفسانیست و غارت عبارت از مخالفت هوای نفس است که سالک راه اله مینماید و پاکان عبارت از کاملان و مرشدان اند که به بحر نیستی غوطه خورده از لوح هستی امکان پاک گشته اند و زیارت عبارت از توجه بجان پایشان و ارادت و بیعت با ایشانست . بیت :

زین خرابی گرهمیخواهی که آبادی شوی جهد کن تا بنده فرمان آزادی شوی
حرف استادان عشقت اینکه در بازار عشق چون تو شاگردی کنی ناگاه استادی شوی
و جنابت عبارت از آنست که قبل از توسل بمشرد کامل بر ذایل اخلاق و اوصاف و اعمال ملوث بوده و باب ارشاد مطهر و پاکیزه می شود و شده است چون کاملان و مرشدان سالکان مبتدی را در ابتداء حال منع از لذات ماکل و مشارب لذیذ و مشتهیات مینمایند تا وصول بمقصد حقیقی ایشانرا محصل شود و آن معنی عبارت از روزه است و چون سالک . سیرالی الله را بانجام رسانیده مستغرق در بحر سیر فی الله شد و از سیر فی الله بسیر بالله باز آمد از تکلیف که در ابتداء حال فرموده بودند جهت حصول کمال خود چون محتاج بآن نیست، روزه خوردن عبارت از آنست . میفرماید که کفاره آنکه روزه خوردم رمضان و در سیر بالله بلذات و شهوات طبیعی از ماکل و مشارب و مناکیح که بر طبق شریعت غراء حضرت محمدی علیه الصلوة والسلام باشد مشغول گشته در عید که مرتبه تجلی ذاتی و وصول حقیقتست نماز بی طهارت کردم . نماز صلوتست و صلوة از وصلت مشتق است یعنی با تلذذ جسمانی که بروجه شرع است که در ابتداء سلوک، سالک را از آن ممنوع گردانیده بودند که بی طهارتی عبادت داشته نماز میگذارم و وصول بمقام توحید مرا حاصل است بلکه در سیر بالله جمیع اشیا را مظاهر اسما و صفات الهی مشاهده نموده محجوب بحجاب کثرات نمیگردم و کثرت حجاب و وحدت ما نمیگردد و وحدت نیز حجاب کثرت ما میشود . نظم :

اینست کمال مرد در راه یقین - در هر چه نظر کنند خدا را ببند. محصل معنی این
ایات اینست که در کتابت آمد و اگر بسط این معانی خواهند رساله مطول میتوان نوشت .
فاما علم را از کتاب جستن دأب اهل الله نیست . خدا العلم من افواه الرجال . العلم معمول
فی قلوبکم .